

کاوش گفتمان کنشی گرمس در رمان اهل غرق از منیرو روانی‌پور

لیلا رحمتیان^۱، خلیل بیگزاده^{۲*}، غلامرضا سالمیان^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲. عضو هیأت علمی، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳. عضو هیأت علمی، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

پذیرش: ۹۷/۹/۶

دریافت: ۹۷/۲/۵

چکیده

پرسمن اصلی پژوهش حاضر که با رویکردی توصیفی- تحلیلی - مبتنی بر گفتمان کنشی گرمس انجام شده است، تبیین نقش عوامل کنشی در آفرینش نظام گفتمانی کنشی - القایی یا مجازی در رمان *أهل غرق* و چگونگی به کارگیری فرایندشناختی در تولید ارزش و معنا، در قالب هدف این داستان به خواننده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که گفتمان رمان با توجه به تأثیر پارامترهای رئالیسم جادویی، شاید موقع خواننده را به سمت گفتمان شوشاً مرکزی هدایت کند؛ اما قوت عناصر فولکلور در ذهن مردم منطقه خاصی مانند جفره، سبب شکل‌گیری لایه‌های هستی در تداوم معنا می‌شود و باور به شرایط حاکم بر ایجاد ابژه ارزشی، سوژه را مجبور به اجرای کنش می‌کند و گفتمان مرکزی را سبب می‌شود. در طول روایت اتصال و انفصل از ابژه ارزشی در جهت رفع نقصان معنا که سعادت و رسیدن به خوشبختی است، در حال تغییر است و این امر گفتمان‌های کنشی را از وضعیت سلبی به ایجابی و بر عکس عبور می‌دهد. گاه انفصل از ابژه ارزشی و دگرگونی موقت، ارزش مؤلفه‌های تغییر شرایط از نابسامان به سامان یافته را در طول گفتمان کش‌محور متفاوت می‌کند و نظام گفتمانی کنشی - تجویزی را که در ابتدای داستان آغازگر کنش بود، به نظام گفتمانی کنشی - مجازی تغییر می‌دهد. روانی‌پور فرایند کنشی قراردادی را میان کشش‌گزاران و کششگر برای رسیدن به شیء ارزشی و شناخت کشش‌گزار از موقعیت خود و گنستی از ابژه ارزشی در عملیاتی القایی ایجاد کرده تا کنش اصلی گفتمان حاصل شود و زمینه برای تحلیلی معناشناسانه از روایت *أهل غرق* فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: ژولین گرمس، گفتمان کنشی، نشانه - معناشناسانی، اهل غرق، منیرو روانی‌پور.

۱. مقدمه

نظريه‌های گفتمانی در علمی مانند روان‌کاوی، جامعه‌شناسی، سیاست و حقوق، بنیان روابط نوین انسانی را رقم می‌زند. ادبیات به عنوان هسته مرکزی علوم انسانی با رویکردی مطلوب دارای برترین ابزارها برای آفرینش و درک روابط انسانی است. تحلیل گفتمانی متون ادبی می‌تواند گامی مؤثر برای درک تأثیرپذیری این پنهان از نشانه - معناشناسی و گفتمان‌های گرمسی باشد. نشانه‌شناسی^۱ از نظر سوسور، علمی است که به پژوهش در نظام‌های دلالت معنایی می‌پردازد. تکمیل این علم و معناشناسی^۲ که ساخته‌های بنیادین فرایند معناسازی را مطالعه می‌کند راه را برای رهیافت به نشانه - معناشناسی^۳ هموار ساخت. در برخورد این علوم با روایتشناسی^۴ که درک مناسبات و ترکیب درونی اثر به منظور دستیابی به ساختار نهایی یک روایت است، رهیابی به نظام‌های گفتمانی گرمسی ممکن می‌شود. انتشار کتاب ریخت‌شناسی حکایات پریان از سوی ولادیمیر پراپ، در سال ۱۹۲۸، زمینه‌ساز مطالعات مهمی در گستره روایتشناسی ساختاری شد. پس از پراپ، گرسن این دریافت‌ها را توسعه داد و در دهه شصت قرن بیستم میلادی (1966) با انتشار کتاب معناشنختی ساختاری تجزیه و تحلیل‌های گفتمانی را که به وسیله مطالعه روشمند متون به بازگشایی معناهای پنهان در ژرف‌ساخت^۵ روایت می‌انجامد، مطرح کرد. حاصل کار گرسن در معناشناسی روایت، نظامی است که از پیش موجود نیست؛ بلکه در فرایند تحلیل متن یا گفتمان کشف می‌شود و گاهی از آن به «الگوی زایشی» یاد کرده‌اند. گفتمان در مسیر شکل‌گیری خود با عبور از پنهان‌های نشانه - معناشی متفاوت به شکل‌های گوناگون بروز می‌کند. وقتی گفتمانی تقابلی، تعاملی، چالشی و یا ترجیحی باشد، به علت حرکت در یک مسیر برنامه‌دار، «نظام گفتمان کنشی» را خلق می‌کند. این جستار تجزیه و تحلیل‌های متن رمان مورد مطالعه را بر اساس این نظام گفتمانی بررسی می‌کند. در گفتمان کنشی بروز معنا تابع عوامل تجویزی، القابی یا مجابی و مبتنی بر عوامل کنشی و شناخت است. منطق و برنامه در مسئله اصلی گفتمان است. در بُعد شناختی گفتمان دیگر صحبت بر سر انتقال ماشینی اطلاعات از مبدأ به مقصد نیست؛ بلکه شگردهای زبانی در جریانی پویا به دگرگونی، بازتولید، اضافه یا حذف گونه‌های زبانی منحصر به فردی منجر هستند که خود را از بافت‌های پیشین شناخته شده رها می‌سازد و هنجارگریزی زبانی را در

نحوه بیان اطلاعات ایجاد می‌کند. گرمس معتقد است، برای شناخت معنای متن باید قاعده‌ها و معنای آن‌ها را درک کرد؛ زیرا متن بر اساس اصولی بنیادین شکل گرفته و نظاممند است و طی فرایند برش، این اصول و بهتی آن، معنا کشف می‌شود.

رمان *أهل غرق* بر اساس رئالیسم جادوی خاص نویسنده‌گان جنوب ایجاد شده و این سبک از روایت ژانر ویژه‌ای را در ادبیات داستانی آفریده است. در رویکردهای گفت‌پردازی این رمان با دو نظام فکری نوین و سنتی روبرو هستیم. روانی‌پور با بیان نقصان مادی بر جهات منفی گسترش صنعت جدید نقصان ابڑه ارزشی را نمایان می‌سازد. نقصان ابڑه ارزشی با ورود تدریجی تمدن به روستای چفره^۷ ایجاد می‌شود. وقتی حضور تمدن آرام آرام اثر خود را بر صلح و صفاتی باطنی مردم آن ولایت نشان می‌دهد، سهم اهالی چفره از تمدن جدید، از دست دادن شکل اصیل و طبیعی زندگی و نیز فساد و بی‌خانمانی است. از دست دادن ارزش‌هایی که کنشگران اصلی رمان را در پی رفع این نقصان به انجام کنش‌های متفاوت وامی دارد. در سراسر رمان *أهل غرق*، اندیشه هراس از بی‌هویتی و دگردیسی سنت‌های بومی همراه راوی است. از سوی دیگر، نوشتار خاص متأثر از ادبیات بومی نویسنده، سبب خلق نشانه‌های بی‌شماری در متن روایت شده است. این نشانه‌ها به کنش‌گزار و کنشگرهای روایت در انجام کنش‌ها برای تغییر و تحول معنا یاری می‌رسانند. وقتی نشانه – معناها در یک زنجیره تعاملی به گستره کاربردهای زبانی می‌رسند، معناها در جریانی پویا تجدید می‌شوند و گفتمان به دست می‌آید. کوچکترین اجزای گفتمان که همان نشانه‌ها هستند، تقطیع می‌شوند و روایت می‌تواند با جریان ذهنی نویسنده که سیالی نشانه‌ها را برای گذر از روساخت و رهیافت به ژرف‌ساخت در آن مهیا ساخته است، عوامل نظام گفتمانی گرمسی مبتنی بر شناخت را در خود نمایان سازد.

این پژوهش با تکیه بر نظام گفتمان کنشی گرمس و درک متناسبات معنایی از خال نشانه‌ها به تحلیل *أهل غرق* پرداخته است. رمان به دلیل بهره‌مندی از سبک نوشتاری رئالیسم جادویی با ترکیب واقعیت و خیال تصویری می‌سازد که دیگر نه واقعیت است و نه خیال. با دگرگونی در ساختارهای از پیش شناخته شده، از سوی شکردهای زبانی، عناصر طبیعی مدام با هم می‌آمیزند و جایه‌جا می‌شوند و نویسنده علاوه بر پذیرش تمام سنت‌های رئالیستی داستان، کُش گفتمان را بازسازی می‌کند و در یک فضای تازه به ساخت عناصر جدید و استعمالات زبانی منحصر به فرد منجر می‌شود که شرایط پردازش نشانه‌ها، درک معنای آن‌ها و ایجاد

حالات مختلف بشری را داراست و در فرایند تحلیل متن یا گفتمان، نظام معنایی کشف می‌شود و می‌تواند بازخوانی مؤثری در مراحل دریافت و تولید معنا باشد و به این پرسش که چگونه عوامل کنشی در نظریه گرمس سبب آفرینش نظام گفتمانی کنشی - القایی یا مجابی در رمان مورد مطالعه شده است، پاسخ دهد و چگونگی به کارگیری فرایند شناختی را در تولید ارزش و معنا در القای هدف داستان به خواننده بررسی کند.

۲. پیشینه پژوهش

گرمس (۱۳۸۹) نشانه - معناشناسی احساس و ادراک، نور، جسمانه‌ای، روزنه‌های گریز و اصول و قواعد کلی حاکم بر نظریه معناشناسی را بررسی و نمونه‌های چندی را از داستان‌ها و شاهد مثال‌های مرتبط تحلیل کرده است. شعیری (۱۳۸۳) نظریه گرمس را واکاوی و بازبینی کرده و همو (۱۳۹۲) نمونه‌های فراوانی برای تبیین این مفاهیم آورده است. باز هم شعیری (۱۳۹۲) ابعاد مختلف نشانه - معنایی را که می‌توانند در یک گفتمان هنری تجلی یابند و فرایند معناسازی را رقم زنند، با توجه به کنش‌های گفتمانی بررسی کرده است. بابک معین (۱۳۹۴) گذر از نشانه‌شناسی کلاسیک را به نشانه‌شناسی با دورنمای پدیدارشناختی بررسی کرده است. اکبری‌زاده و محصص (۱۳۹۶) دریافت‌های که در گفتمان قرآنی داستان موسی^(۱) کشمشکش طرفهای گفت‌وگو با اتصال و اتفصال در فضای گفته‌پردازی و نیز با رخداد زیبایی‌شناختی اعجاز، گفتمان را به سمت مرکز عملیات گفته‌پردازی - که در اینجا «ربوبیت» است - سوق می‌دهد تا فراتر از نقطه توانش و کش تبلیغی در ابعاد زیبایی‌شناختی، نتیجه نهایی رقم بخورد. بابک معین (۱۳۹۷) بر اساس نظریات اریک لاندوفسکی، نشانه‌شناس پس‌اگرماسی که الگوی نظامهای معنایی و تعاملی خود، یعنی برنامه‌داری، مجاب‌سازی، تصادف و تطبیق را به ترتیب، بر اساس اصول «قاعده‌مندی»، «نیت‌مندی»، «شانس» و «امر احساسی» تعریف می‌کند، تعامل‌های ممکن میان ساخت کنشگر آموزش‌دهنده و کنشگر آموزش‌گیرنده را در یک محیط خرد اجتماعی، یعنی کلاس درس، خوانش می‌کند. در مرحله نخست، بلیغی و عبدی (۱۳۹۷) با تجزیه دال‌های تصویری در بوف کور، به بیان ویژگی‌های نظامهای دیداری موجود در اثر پرداخته و در مرحله بعدی دلالت‌های ضمنی و رمزگانی آن‌ها را از خلال مطالعه موازی گفتمان دیداری و نوشتاری واکاوی کرده‌اند. همان‌گونه که دیده می‌شود پژوهشی که با رویکرد نشانه

- معناشناسی یا نقد گفتمانی نشانه‌های موجود در متن رمان / اهل غرق از منیرو روانپور و تحلیل معناهای آن‌ها بر اساس نظریه گفتمانی گرمس استخراج کرده باشد، یافت نمی‌شود.

۳. چارچوب نظری

در مطالعات روایی، داستان‌هایی که در شرایط جریان سیال ذهنِ راوی شکل می‌گیرند، تصاویر ساخته‌شده در ذهن گفته‌پرداز و انتقال این داده‌های تصویری به ذهن خواننده، پهنهٔ مناسبی برای استخراج نشانه‌ها ایجاد می‌کنند.

زمانی که سخن از تصویر به میان می‌آید، مواجههٔ صرف با مجموعه‌ای از اشکال که احساسی آنی را به بیننده منتقل می‌کنند، مطرح نیست. در ورای اشکال که تصویری منسجم را به وجود می‌آورند، دنیابی از مفاهیم نهفته است که واکاوی آن به تولید معنا می‌انجامد. از این رو، تصویر نیز به مثابة آثار نوشتراری، چون متنی گشوده است که از زبان مخصوص به‌خود بهره می‌برد و امکان خوانش و واکاوی جزء‌به‌جزء آن وجود دارد و از خلال این خوانش مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌ها به دست می‌آید که با کنار هم قرار دادن آن‌ها، گفتمانی خاص و درنتیجه، معنای منحصر به‌فرد ظاهر می‌شود (بلیغی و عبدی، ۹۳: ۱۳۹۷).

گفتمان یا فعالیت‌های گفتمانی تنها عاملی است که می‌تواند ساختارهای برونه‌ای را به‌سوی ساختارهای درونه‌ای هدایت کند. دهه هشتاد قرن بیستم میلادی زمان تغییر نشانه‌شناسی ساختارگرای سال‌های ۱۹۶۰ به نشانه - معناشناسی است. تأثیر نشانه‌شناسی از فلسفه و زبان‌شناسی سبب شد که به پدیدارشناختی بیشتر نزدیک شود. در واقع، نشانه‌شناسی:

با تأکید بر موضوعاتی چون تن، ادراک، امر حسی و حضور خود را احیا می‌کند. به عبارت دیگر، درک و فهم حسی جهان و نقش ادراک در تولید معنا و مطالعه و پژوهش در خصوص حالات‌های درونی و احساسی این گرایش جدید در نشانه‌شناسی را تعریف می‌کنند (معین، ۱۹: ۱۳۹۵).

آلثیرداس ژولین گرمس (1917 - 1992) در لیتوانی پس از انتشار *معناشناسی ساختاری* در سال ۱۹۶۶ و دربارهٔ معنا در سال ۱۹۷۰، به عنوان مهمترین نظریه‌پرداز معناشناسی روایت شهرت یافت. او «سال‌های طولانی عمر خود را وقف ساختن نظام‌های منسجم، استوار، منطقی و برنامه‌دار در راستای تحلیل متن نمود» (شعری، ۱۰: ۱۳۸۹). عوامل کنشی در نظریهٔ نشانه - معناشناسی گرمس، نوعی از نظام گفتمان روایی را می‌آفریند که گفتمان کنشی^۱ خواننده می‌شود و دسته‌بندی‌هایی بر اساس نوع نشانه‌ها دارد که گونه‌های گفتمان هوشمندی را تبیین می‌کنند.

کارکرد عوامل کنشی در رمان *أهل غرق* چنان است که نظام گفتمان روایی کنشی و گونه‌های آن را در این رمان پدید آورده است.

۳ - ۱. نظریه تحلیل گفتمانی گرمس

آلزیرداس ژولین گرمس^۱ (۱۹۱۷ - ۱۹۹۲) در سال ۱۹۴۴ میلادی، رساله دکتری خود را با عنوان «مد در سال ۱۸۳۰» در مطالعه علم واژه‌شناسی^۲ ارائه داد. این رساله شامل مجموعه نوشته‌های گرمس در زمینه زیان و جامعه است که فرم‌های متفاوت معناشناختی را با بررسی توصیف و تشریح معناشناختی واژگان تحلیل کرده است. اندیشه گرمس حاصل تلاش وی برای تجزیه و تحلیل و صورت‌بندی تمامی جنبه‌های گفتمان بوده و معتقد است که در فرایند تحلیل متن یا گفتمان، نظام معنایی کشف می‌شود؛ زیرا ساختارهای معنایی و کنشی کاملاً تقطیع می‌شوند و این رویکرد را «الگوی زایشی» می‌نامد. «الگوی زایشی وی که از مطالعات پرآپ سرچشمه می‌گیرد. الگویی دینامیک است که چگونگی تجدید معنا را در داستان نشان می‌دهد. بر این اساس، گرمس موفق به بنیان‌گذاری نظام گفتمان روایی یا به عبارتی، نشانه‌شناسی استاندارد می‌شود» (شعیری، ۱۳۸۹: ۵). گرمس در این نظام بر معناشناختی روساخت و ژرف‌ساخت متون تأکید دارد و معتقد است، به منظور شناخت معنای متن باید قاعده‌ها و معنای آن‌ها را درک کرد.

با بهره‌گیری از روش‌های مطالعه معنا، فرایندهای ارزشی معنا و جنبه کاربردی و تأثیری متن را تا حدودی می‌توان روشن کرد و از این میان، روش تحلیل نشانه معناشناختی گفتمان، با بازخوانی نظام‌های سیال متن ضمن روساخت قالب‌بندی شده، چگونگی کارکرد، تولید و دریافت معنا را در نظام‌های گفتمانی تبیین می‌کند (اکبری‌زاده و محسص، ۱۳۹۶: ۲۹۳).

متن بر اساس اصول بنیادی شکل گرفته و نظام مند است و طی فرایند برش، این اصول و به‌تبع آن، معنا کشف می‌شود. گفتمان محل نزاع، تبانی، همپوشی، همسویی، تقسیک، ترکیب، تقابل و تعامل نشانه‌ها با یکدیگر است و می‌تواند راهکارهایی را برای شکل‌گیری این ویژگی‌ها به‌عنوان واسطه هموار سازد. شرایط عبور از روساخت (صورت‌های بیان) به‌سمت ژرف‌ساخت (محتویاتی درونه‌های بیان) باید فراهم شود تا عملیات تولید معنا بتواند به بهترین وجه ممکن تحقق یابد. بر این اساس تنها عاملی که می‌تواند ساختارهای برونه‌ای را به‌سوی

ساختارهای درونهای هدایت کند و مرتبط سازد گفتمان یا فعالیتهای گفتمانی است.

۳ - ۲. گفتمان کُنشی گرمس

گفتمان کنشی که نخستین گفتمان از نظامهای گفتمانی گرمی است، مانند یک دستور زبان روایی عمل می‌کند، «الگوی کنشی گرمس که در آغاز سه آزمون «آماده‌سازی، سرنوشت‌سان، سرافرازی» بود، به صورت دو الگوی روایی کارکردی بازتعریف شد: ۱. قرارداد، توانش، کنش ارزیابی؛ ۲. القا (مجاب‌سازی) یا پیمان، کنش، ارزیابی» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۸). به نظر گرمس، در این نوع نظامهای شناختی روند حاکم بر متن در بیشتر داستان‌ها از یک کاستی آغاز می‌شود و به عقد قرارداد منجر می‌شود. «این قرارداد می‌تواند بین یک کنشگر با یک عامل دیگر داستان باشد یا قراردادی باشد که کنشگر با خودش می‌بندد» (عباسی و یارمند، ۱۳۸۹: ۱۵۰). کنشگر باید بعد از قرارداد، توانایی لازم را برای انجام آن کسب کند و بعد از این مرحله، کنش که مرحله اصلی و فرایند انجام عملیات است، شکل می‌گیرد «که می‌تواند ضمن تحقق برنامه‌ای موج تغییر وضعیتی شود» (شعیری، ۱۳۸۸: ۹۱). با طی شدن این مراحل تغییر معنا رخ می‌دهد؛ زیرا در این وضعیت عوامل گفتمانی ایجاد می‌شود. علاوه بر قرارداد ممکن است، القاء (گونه‌های القائی مبتنی بر تشویش، اغوا، تهدید، تحریک) و اخلاق سبب شکل گیری عملیات کنشی شوند. بر این اساس طرح‌واره‌ای از فرایند کنشی با ترتیب القا، توانش، کنش و درنهایت، ارزیابی و قضایت شناختی و عملی تشکیل می‌شود. بر این اساس نظام گفتمانی هوشمند شامل نظامهای کنشی، کنشی تجویزی و کنشی القائی (مجابی) است

نظام تعاملی «مجاب‌سازی» بر اصل «نیتمندی^{۱۱}» مبتنی است. در این نظام معنایی، سوژه دیگری را در راستای اهداف از قبل تعریف شده خود و با نیتی معلوم به کنش و ادار می‌کند. از این رو، آن را بر وجهی سببی مبتنی می‌دانیم.^{۱۲} برای تعامل بر مجاب‌سازی، چهار روش و راهبرد وجود دارد که عبارت‌اند از: وسوسه^{۱۳}، تشویق^{۱۴}، تحریک^{۱۵} و تهدید^{۱۶}. تعامل مجاب‌سازی بیشتر در شرایط تنفس اتفاق می‌افتد. در این شرایط سوژه‌ها برای رسیدن به اهدافشان، خود را مجبور می‌بینند که سوژه‌های دیگر را در راستای اهداف خود به کنش و ادار کند (بابک معین، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

در گفتمان کنشی بررسی و کشف عملکرد در سیر روایت بر عهده کنشگران است. در این گفتمان راهبرهای اصلی زبان در خلال کنش‌ها تبیین شده‌اند. گرمس انگاره کنشی را مطرح کرده است که «بر این اساس باید تعدادی از انگاره‌های کنشی شخصیت‌ها را در هر اثر داستانی

و یا هنری کشف کرد و از منطق میان انگاره‌ها، منطق نوشتار را به دست آورد» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۹). در معناشناسی گرمس به جای شخصیت که فقط متعلق به انواع بشری است از واژه کنشگر استفاده می‌شود؛ چون در گفتمان کنشگر اصلی که در تحول متن و اجرای کنش دخیل است، می‌تواند یک نیروی غیربشری باشد.

۳-۳. عوامل گفتمان کنشی

شش عامل کنشی گفتمان در الگوی گفتمانی هوشمند وجود دارد: کنش گزار (عامل سببی یا بدعت گذار) کسی یا چیزی است که کنشگر (فاعل) را به دنبال خواسته یا هدفی می‌فرستد و دستور اجرای فرمان می‌دهد. کنش‌پذیر کسی است که از عملکرد فاعل سود می‌برد و خود فاعل هم می‌تواند از گیرندگان به شمار آید. کنشگر فاعل یا کنشگر اصلی یا قهرمان، همان کسی است که عمل می‌کند و به سوی شیء ارزشی می‌رود. شیء ارزشی همان هدف و موضوعی است که کنشگر به دنبال آن است. کنش یار (عامل کمکی) همان شخص یا چیزی است که به کنشگر اصلی کمک می‌کند تا به هدف برسد. ضد کنشگر (عامل مخرب) مخالف یا بازدارنده، کسی و یا چیزی که جلوی رسیدن کنشگر فعال را به شیء ارزشی می‌گیرد و مانع رسیدن او به هدف می‌شود. این عوامل شش‌گانه که با هم مناسبات نحوی و معنایی دارند، همه یا برخی از آن‌ها گفتمان روایی را در یک اثر هدایت می‌کنند.

۴. تحلیل داده‌ها

روانی پور داستان *هل غرق* را بر اساس عناصر تکرارشونده موجود در رئالیسم جادویی همانند طبیعت، جنوب ایران و دریا، افسانه‌های جُفره و پری‌های دریایی، طلس‌ها، ماهی‌گیری و زنان بومی روایت کرده است.

رمان‌های رئالیسم جادویی از تکنیک‌های ویژه‌ای برای روایت و قوام دادن به ساختار داستانیشان بهره می‌برند. مهم‌ترین این تکنیک‌ها در چگونگی فضاسازی، بازی با زاویه دید و کانون روایت، ایجاد رابطه نو بین زبان و واقعیت و استفاده ماهرانه از هنر تاریخ (سازی) و قصه‌پردازی در داستان‌هاست (حنیف و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

با این توضیح درمی‌یابیم که در روایت پیش رو، تصاویر با زبان خاص خود در ایجاد معناها

دخیل هستند. با استخراج مفاهیم پنهان در خلال تصاویر خلق شده از سوی راوی در ژرف ساخت روایت و واکاوی معنای شانه‌ها به معناهای منحصر به فردی می‌رسیم که گفتمان‌های کنشی روایت را ایجاد می‌کنند.

۴ - ۱. تحلیل سطح روایی داستان اهل غرق

اهل غرق روایت پیچیده زندگی جوانی خوش بالا با چشمانی دریایی و پوستی آفتاب سوخته است. مه‌جمال دریایی، آبی - آدمی^۷ است حاصل عشق یک آبی با ملوانی از تبار اهل غرق که در ساحل دریای چُفره از توابع بوشهر متولد می‌شود. طبق یک باور عامیانه در میان مردم چُفره، اگر هنگام عروسی بوسلمه، حاکم زشت‌روی دریا، با زیباترین پری دریایی ساکنان زمین، شایسته‌ترین جوان خود را به عنوان نیزن به شادباش عروسی او بفرستند، درشت‌ترین مروارید دنیا را که بوسلمه در دهان ماهی کوچکی گذاشت، می‌یابند و تا ابد از رنج جست‌وجوی نان رها می‌شوند. خیال آن مروارید درشت و وسوسه زندگی راحت، مردم آبادی را و او می‌دارد تا با قربانی کردن مه‌جمال به سعادت ابدی برسند. مه‌جمال هم که نیمه دریایی‌اش را می‌طلبد، مشتاقانه تن به این قربانی می‌دهد. عروس بوسلمه به مه‌جمال دل می‌بندد و غرق شدن او را نمی‌تابد، مه‌جمال را به سطح آب می‌آورد. بوسلمه خشمگین و دریا طوفانی می‌شود. زایراحمد برای فریب دادن بوسلمه، بازوی مه‌جمال را زخمی می‌کند و خوشن را به دریا می‌ریزد. بوسلمه، آرام می‌گیرد و مردان آبادی از طوفان می‌رهند. اهل غرق که پس از سفر دریایی مردان، به سطح آب آمده‌اند، با کمک مه‌جمال به عمق آبهای بازگردانده می‌شوند. در غبه، مه‌جمال با بوسلمه گلاویز می‌شود، آبی عاشق که گمان می‌کند مه‌جمال در درگیری با بوسلمه غرق شده است، در جست‌وجوی مه‌جمال به آبادی می‌آید؛ اما مه‌جمال را در محاصره مهرآبادی می‌بیند؛ پس به رسم عاشقان صادق می‌رود تا او به خوشبختی خاکی‌اش برسد. روزی آبادی می‌لرزد، مردم خشم بوسلمه بر حضور مه‌جمال را عامل آن می‌دانند و در صدد کشتن او برمی‌آیند. مه‌جمال به مادر دریایی خود متسل می‌شود. زمین آرام می‌گیرد و صندوق‌هایی از نوشیدنی و سبب و پرنتقال بر سطح دریا ظاهر می‌شود. اهالی می‌پندارند که نیروی آسمانی مه‌جمال، بوسلمه را مهار کرده است. با او مهربان می‌شوند. مه‌جمال با خیجو - دختر زایراحمد - ازدواج می‌کند. سه مرد موبور با لهجه‌ای

غريب از دريا به آبادى مى آيند و به مردم دارو و نوشيدنى مى دهند. آنها با خود رadio همراه دارند. مردم از اين جعبه جادويي متخير مى شوند. بچه خيجو در شكم هشدار خطر مى دهد؛ اما کسی کودک آبي در شكم خيجو را باور نمى کند. صدای مرد کپکپی سوار (موتور سیکلت)، توجه آبادی را به خود جلب مى کند. ابراهيم پلنگ مهجمال و مردان آبادی را به شهر مى برد. آنها در پي شرکت در يك گردهمايي سياسى به زندان مى افتدند. سرگرد صنوبرى در ازاي آزادى مردان از زايرستند مى خواهد. ابراهيم پلنگ مأموران ثبت احوال را به آبادى مى آورد و مردم آبادى صاحب شناسنامه و سند مى شوند. مهجمال پس از آزادى ياغى مى شود و سرانجام، با خيانت دو تن از تفنگچيان خود، در قلعه پير به دست مأموران دولتى كشته مى شود و ماندگار قصهها مى شود. با کشف نفت، خارجيها به جفره مى آيند و اهالى را از زاد و بومشان مى رانند. دريا ديجر مانند روزهای خوشبختی آبي نبود و رنگ خاکستری آن خبر از هلاكت مرغان دريابي، ناپديد شدن آبيها و کوچ صداقت و پاکى از دل مردم جفره مى داد، مردمى که يا مردند يا به نكت رسيدند و يا کوچ كردند.

نوعی کشمکش نامحسوس بين واقعیت و خیال در سراسر رمان موج مى زند که حاصل توانايي روانی پور در انتخاب لحن برای پیشبرد کنشهای است که شخصیت‌های داستان را شکل می‌دهند. او از زبان شاعرانه رئالیسم جادویی برای خلق فضایی «خيال‌گونه» بهره می‌برد. این امر به مدد توجه خاص به استعارات (کهن و نو) و لحن روایت به دست می‌آید. روانی پور، فاصله بین خیال و واقعیت، استعاره و حقیقت و مرگ و زندگی را برهم می‌زند.

نویسنده رئالیسم جادویی با زیورو و کردن زبان روایت رئالیسم سنتی، قدرت زبان را در شکل دادن «حقیقت» نشان می‌دهد و خواننده را و می‌دارد که در کارکرد زبانی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی را بیابد. راوی پدیده‌های فرا حسی و غیرملموس را طوری در نظر خواننده موجه و حقیقی جلوه می‌دهد که خواننده در پی برهان برای اتفاقات حاصل نیست. در این‌گونه روایت‌ها:

هنگامی که نویسنده عناصر جادویی و خیالی را با باورهای ساده فولکلوریک در هم می‌آمیزد، خود را از آنها دور نگه می‌دارد تا این‌طور به نظر نرسد که امور و نگرش‌هایی که متن توصیف می‌کند، صریحاً و به طور قطع از جهان‌بینی نویسنده اقتباس شده است (نیکوخت و رامین‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

در این داستان حضور ملموس روانی‌پور و اعتقاد کاملش به آنچه در دریای جُفره و ساحل

آن رخ می‌دهد، به خوبی هویداست.

در ساختار رمان گاهی شاهد بازگشت زمانی و گاهی شاهد پیشواز زمانی هستیم. بیانگر عدم فاصله گرفتن شخیت‌های داستان از موضوع است که دایم در یک گردونه از خشکی به دریا یا از دریا به خشکی در جستجویی بی‌حاصل قرار دارند (مالمیر، ۱۳۹۳: ۲۳). حسرت نابودی «ساده دلی» که در طول داستان کم کم با حضور تمدن و غریبه‌ها دامن جفره را می‌گیرد، دردی است که بی‌شک جان روایی‌پور را آزرده است. او در تمام داستان در قالب خیجو، زنان دهکده، مرغان دریایی و مه جمال در مقابله با حضور غریبه‌ها جنگیده و حسرت تغییر رنگ دریا آهی مانده بر دل نویسنده که در کودکی و نوجوانی کشیده است.

۴-۲. بررسی نظام گفتمان‌کنشی رمان‌های غرق

رویدادهای حاصل از تضاد و تقابل مدرتبه همراه با جریان‌های سیالِ ذهن نویسنده بین حقیقت و خیال بستر مناسبی است برای استخراج نشانه‌هایی که با بهره‌مندی از شرایط حاکم بر جریان روایت، گفتمان‌های کنشی را نمایان می‌سازند. در این روایت کشگران بر اساس کارکردهای اجتماعی و فرهنگی که متأثر از تفکرات جادویی و افسانه‌ای مردم جفره است، گفتمان‌های کنشی را پیش می‌برند. عوامل کنشی تأثیرگذار بر جریان این روایت از نوع کنشی - ارزشی، کنشی - مجابی و کنشی - تجویزی است و برای رهیابی مناسب به شیء ارزشی به یکدیگر قابل تغییر هستند.

۴-۳. بررسی نظام گفتمان‌کنشی - تجویزی

یک گفتمان کنشی اصلی در هسته مرکزی روایت‌های غرق وجود دارد که تمام گفتمان‌ها را هدایت می‌کند. تغییر وضعیت از نابسامان به سامان یافته، هدف اصلی این گفتمان کنش‌محور است؛ اما این تغییرات نیاز به عواملی دارد که بهبود اوضاع را حاصل کند. موضوع این روایت خواست مردم از مهجمال برای رفتن به دریا، به دست آوردن مروارید و یک عمر زندگی راحت با شادی و رفاه است که مهجمال در مقام کنشگر توان سرپیچی از این دستور جمعی را ندارد. بنابراین، با یک نظام گفتمان‌کنشی - تجویزی^{۱۸} رو به رو هستیم. تجویز در راستای تحقق کنش قرار می‌گیرد. بر این اساس، گفتمان ما را با کنشگزاران برتر که جمعیتی از مردم روزتا هستند

مواجه می‌سازد که در موقعیتی برتر نسبت به مه‌جمال قرار دارند و می‌توانند او را وادار به کنش «قربانی شدن» کنند. در واقع، ارده مه‌جمال با توجه به رابطه عمودی بین کشگر و کنش‌گزاران که از بالا به پایین است، لاجرم به پذیرش این کنش است؛ اما مه‌جمال که کنشگر این گفتمان است با وجود تجویز از بالا در انجام یا عدم انجام آن آزاد است. او هم در ابتدای کار خود مشتاق قربانی شدن است و با اشتیاق و برق در چشمانش به قربان‌گاه می‌رود. کنش مرکزی در روایت رمان *أهل عمرق* از جانب بزرگ ده، زایراحمد، و تمام مردم تجویز می‌شود:

از پیش همه‌چیز معلوم بود مه‌جمال باید می‌رفت، باید. انتظاری که آبادی از مه‌جمال داشت، دستوری که در ذهن همه فریاد می‌شد؛ اما اگر تن به رفتن نمی‌داد؛ اگر باید را نادیده می‌گرفت؟ اگر سر به نافرمانی بر می‌داشت؟ شک و تردید در دل‌ها خانه می‌کرد و همه‌چیز مثل حضور مه‌جمال حضور بیست ساله او در آبادی، پادرهوا و معلق بود (روانی‌پور، ۱۳۶۸: ۱۵).

اینک ماهیت این تجویز روش می‌شود. مه‌جمال توان دفاع در برابر کنش پیشنهادی از جانب مردم را دارد و کنش بر اساس منطقی قابل دفاع شکل می‌گیرد؛ اما کنشگر (مه‌جمال) تمایلی به دفاع ندارد و به این ترتیب، ما با کنش تجویزی - منطقی یا عقلانی مواجه هستیم. با توجه به این منطق تجویزی می‌توان ادعا کرد که نوعی قرارداد، میثاق یا عهد، ماهیت این نظام تجویزی را شکل داده است. به سخنی دیگر، مردم و مه‌جمال با هم قراری می‌گذارند که طبق این میثاق نانوشه، مردم به مروارید و سعادت ادبیشان می‌رسند و مه‌جمال هم به آرامش دریایی‌اش؛ چون «یک آدم - آبی که بوی او با دریا یکیست، تنها در آبهای سبز و آبی و در بین ساکنان است که به آرامش می‌رسد. مه‌جمال روی خاک ناآرام بود «دل به جایی نمی‌بست. هر شب در جایی و هر لحظه در هوایی بود. بهنبال چیزی می‌گشت و یا در جست‌وجوی چیزی بود که خود نمی‌دانست» (روانی‌پور، ۱۳۶۸: ۱۸). این سرگردانی سبب می‌شود که او به خواسته مردم تن بدهد و قول انجام کنش را به آن‌ها بدهد. پس در موقعیت حضور مجازی برای رسیدن به کنش قرار می‌گیرد. بر این اساس، مردم و زایراحمد را منتظر نگذاشت و گفت: «کی حرکت می‌کنیم؟ مه‌جمال و عادت دیرینه‌اش! همیشه همین‌طور بود. یک کلام می‌گفت و قصه را تمام می‌کرد» (همان: ۱۵). اکنون طبق این قرارداد تواشش^{۱۹} که یکی از مراحل کنش است، به‌دست آمده و مه‌جمال توانش لازم برای اجرای کنش را کسب کرده است و همراه مردان ده راهی دریا می‌شود. از غُبه^{۲۰} که گذشتند، زمان اجرای کنش^{۲۱} رسیده بود، آبی‌ها به استقبالش آمده بودند.

یکی از آن‌ها «آهسته انگار کف پایش روی زمین باشد با نیمه انسانی خود به‌سوی مه‌جمال آمد، دست او را که روی لبه قایق خم شده بود، گرفت و هر دو در دریا گم شدند» (همان: ۲۷). در این حالت کنشگر (مه‌جمال) به وضعیت حضور کنونیت یافته^{۲۲} می‌رسد و می‌داند که زمان قربانی است. مه‌جمال با اینکه می‌دانست رفتن با آبی نابودی ابدی در بردارد؛ ولی باز هم توانایی برای قربانی کردن خود و میل درونی به این کار را داشت و به شناخت از کیفیت غرق شدن رسیده بود. همراه آبی می‌شود. پس با با کسب توانش، دانش و شناخت لازم عملیات کنشی را اجرا می‌کند و یک مرحله از آستانه کنش به جلو رقته و وارد مرحله پساآستانه می‌شود، حضور کنشگر دیگر حضور باور شده است؛ اما کنشگر برای به پایان رساندن کنش باید به باور قطعی و یقین برسد. مه‌جمال که بر اثر «بایستن» و جبری درونی و بیرونی، یعنی هم بر خواست خود و هم بر خواست مردم گُش را اجرا می‌کند، از مرحله باور می‌گذرد و به مرحله تحقق یافتن می‌رسد.

۴- بررسی نظام گفتمان کنشی - مجابی

گفتمان کنشی تغییر مسیر می‌دهد و خلاف گفتمان تجویزی که کنشگزاران و کنشگر را در یک رابطه از بالا به پایین قرار می‌داد، این بار کنشگر و کنشگزار در یک رابطه تعاملی هستند. حالا کنشگر برای به دست آوردن شیء ارزشی که زندگی میرا و خاکی است وارد جریانی تازه از گفتمان کنشی می‌شود. مه‌جمال (کنشگر گفتمانی) در سفر به قعر دریا، اهل غرق را در آنجا می‌بیند. پسران دی‌منصور که هنوز امیدوارانه در حال تعمیر کشتی خود هستند و هنوز صدای خلخال دختران آبادی گوششان را نوازش می‌کند. مردان مغروف که با چشمان غمگین و شانه‌های خمیده در دریا نامید از باگشت هستند، پدرش که در کنار مادر آبی، تولد پر ابهام او را آشکار می‌کند. این‌ها کنشگر (مه‌جمال) را در حضور باور شده به گستاخانی می‌رسانند. نوع گفتمان کنشی تغییر می‌کند و اتصال به ابژه ارزشی که سبب اجرای کنش در موقعیت کنشی قبل شده بود، تبدیل به انفصل از ابژه ارزشی شده و درد چهره و نگاه غم‌انگیز پسران ششگانه، دل مه‌جمال را که زمین‌گیر خاک شده بود، لرزاند و خود را در عمق دریا در میان مرجان‌ها و آبی‌ها و زیرنگاه نامیدانه اهل غرق غریب می‌دید و دلش به ماندن رضا نبود. «آن قدر دلش گرفت که به نظرش رسید که آن مروارید بزرگ که بولسلمه و عده‌اش را داده و آبادی را از فقر نجات می‌داد،

بی ارزش ترین چیز دنیاست و حتی به اندازه پشگلی نمی‌تواند کسی را شاد کند» (روانی‌پور، ۱۳۶۸: ۳۲). پس مه‌جمال از موقعیت سلبی به ایجابی منتقل می‌شود. ارزشی که موقعیت کنشی قبل را ایجاد کرده بود، برای او بی‌اهمیت می‌شود. در این میان آبی هم که باید عروس بوسلمه می‌شد، دل به مه‌جمال زیبا سپرد و دلش رضا نداد که او هم مانند مردان مغرور اسیر خاطرات آدمی‌زادگی شود؛ چون «تا وقتی خاطرات در مرگ، هستی خود را از دست نداده است، هرجا که باشی حتی در عمق آبهای آبی و سبز آدمی‌زاده‌ای» (همان: ۳۰). اینجا دیگر با دو کنشگر روبرو هستیم که هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد و این موقعیت جریان گفتمان کنشی را از شرایط تجویزی به جای کنشگر، کنشگرانی داریم که در شرایط افقی برای اجرای کش هستند و هیچ‌کدام در برتری موقعیتی نیست، در اینجا آبی و مه‌جمال به یک اندازه از اجرای کنش سود می‌برند. در واقع، هر دوی آن‌ها دارای یک موقعیت هستند و در بین آن‌ها رابطه تعاملی برقرار است؛ ولی در این میان کنش را کسی سبب می‌شود که توان مجاب‌سازی یا القای بیشتری داشته باشد. در گفتمان کنشی - مجابی روبرو که کنش بر اساس شکرگ عاطفی و حس صمیمیت بین آبی و مه‌جمال روی می‌دهد، آبی با ایجاد عاطفه میان خود و مه‌جمال به‌نوعی اعتماد درونی در او دست یافته است و مه‌جمال را مجاب می‌کند، خلاف توصیه زایر احمد، فایز^{۳۳} بنوازد و سبب خشم بوسلمه می‌شود و همراه آبی به سطح آب می‌آید. بر اساس تعامل بین آبی و مه‌جمال ایزه ارزشی از مروارید ته دریا به جان مه‌جمال تغییر می‌یابد. از اینجای داستان به بعد تمام گفتمان‌های کنشی تا انتها متأثر از همین گفتمان کنشی اصلی در هسته روایت است. به صورت کلی و در تعاملی نسبتاً پیچیده، همان‌طور که بررسی روی مردم یک نقطه از دنیا می‌تواند نظریات کلی در مورد تمام انواع بشر را برای ما فراهم کند، بررسی یک متن نمونه روایی هم می‌تواند دستاوردهای مناسبی در جهت استخراج موارد مشابه در تمام روایت با عناصر یکسان در اختیار ما بگذارد. بر اساس طرح کلی گفتمان‌های گرمی برای پی بردن به چرایی چند چیز مشترک می‌توان تنها به سازماندهی عوامل دخیل در یکی از آن‌ها پرداخت و جزء را نماینده یک کل قرار داد. بررسی این گفتمان اصلی در روایت مورد مطالعه می‌تواند نماینده سایر گفتمان‌های کنشی در جریان این روایت باشد که از میان آن‌ها به یکی دیگر از این گفتمان‌ها اشاره می‌کنیم.

۴-۵. بررسی نظام گفتمان کنشی - ارزشی

بعد از بازگشت مهجمال به قایق و گرفتاری مردان آبادی در طوفان حاصل از خشم بوسلمه، گفتمان کنشی دیگری به دست آمد و زایراحمد به عنوان کنشگر و همچنین، کنشیار به دلیل مهر عمیق درونی به مهجمال و به واسطه ابژه ارزشی که جان مهجمال است، کنش دیگری را انجام می‌دهد و با ریختن خون دست او به دریا جانش را نجات می‌دهد. این گفتمان در جهت حفظ ابژه ارزشی که جان مهجمال است، فرایند کنشی بعدی را حاصل می‌کند. زایراحمد دچار نوعی بحران کمی می‌شود، دلش به غرق شدن برومندترین جوان روستا که از قضا در دامان او و همسرش، مدینه، بزرگ شد، رضا نمی‌دهد.

نه! زایراحمد نمی‌توانست آدمیزاده‌ای را به خاطر بوسلمه نابود کند. خویشی مگر تها به خون است زایر؟ او در آبادی قد کشیده، روی زمین خدا قدم زده، مهجمال مثل خاک آبادی است، مثل درخت گل ابریشم جلوی خانه‌ات راه چاره‌ای باید زایر، راه چاره‌ای دیگر مهربان‌تر، آدمی‌تر (همان: ۴۷).

اجرای این فرایند کنشی با حضور هستی‌شناسی زایر، برای خروج از این بحران کمی گره خورده و از دیگر سو، جلوگیری از انفصل ابا ابژه ارزشی و بازتأثیر آن که جان مهجمال است، سبب می‌شود که او شرایط را برای عبور از موقعیت سلیمانی ایجاد شده فراهم کند و با اندادختن رخمی بر جان مهجمال و فرو ریختن خون او به دریا در صدد فریب بوسلمه برآید. با این کنش هم ارزش کمی که زنده ماندن مهجمال است، به دست می‌آید و هم مردان به ارزش کیفی که آرامش دریا و درنهایت، رسیدن به ساحل است، می‌رسند.

جدول ۱: طبقه‌بندی بسامد عوامل نظام گفتمانی کنشی بر اساس تحلیل متن

Table1. Frequency Classification of Actantial Discourse Regime Factors Based on Text analysis

نوع ارزشی	کنشگر	کنشیار	کنشیار	کنش‌پذیر	کنش‌گزار	کنش‌گزار	گونه‌های کلامی
							نمودهای متنی
مروارید و سعادت‌آبادی	بوسلمه مالک	آرامش دریایی	مردم روسنا و خود	مردم دریایی	زایراحمد و مردم	زایر و مردم	کنشی تجویزی
زنگی مهجمال	خشم بوسلمه	زایراحمد	مهجمال	آبی و مهجمال	آبی و مهجمال	عروس بوسلمه	کنشی مجابی
جان مهجمال // آرامش و سعادت	موسسه// زایراحمد و خیجو	درازیت زایراحمد// تویس از خشم بوسلمه	مردان در قایقهای// روسنای چواره	زایراحمد// مردم آبادی	زایراحمد// مردم آبادی	وجдан زایراحمد// توهم از عذاب دریا	کنشی ارزشی

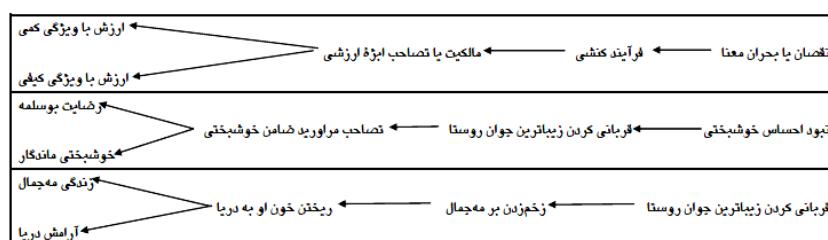
فرایندهای کنشی فراوانی در تمام داستان شکل می‌گیرد که بر اساس کنش اصلی، کنشگران متغیری دارد؛ اما کنشگر اصلی در بیشتر این کنش‌ها مردم آبادی هستند که به‌واسطه خشم بوسلمه از مه‌جمال، خود را هر لحظه گرفتار عذاب دریا می‌دانند و به‌واسطه همین ترس و بر اساس ابژه ارزشی آرامش و سعادت کنش‌هایی را علیه بحران ارزشی که حضور مه‌جمال در دهکده است، انجام می‌دهند که با تدبیر زایر احمد و دخترش خیجو - که همسر مه‌جمال است - به سلامت او و بازگشت موقتی آرامش به روستا می‌انجامد. اگرچه ضد کنشگران نیز در این کنش‌ها عمل می‌کنند (روانی پور، ۱۳۶۸: ۷۲ - ۱۰۵). البته، اهل آبادی تنها کنشگر فرایندهای کنشی علیه مه‌جمال و تحويل او به بوسلمه نیستند و درواقع، آن‌ها همانند یک تن واحد کنشگران واحدی هستند که برای به‌دست آوردن سعادت و خوشبختی و بر اساس باورهای ساده و سنتی خود کنش‌های روایت را در جهت ایجاد شرایط بهتر هدایت می‌کنند (همان: ۱۸۸ - ۲۰۲ - ۲۲۶ - ۲۴۰ - ۲۶۰ - ۲۷۸ - ۲۹۶ - ۳۱۹ - ۳۳۵). این کنش‌ها - چنان‌که در انتهای داستان دیده می‌شود - خیلی هم موقفيت‌آمیز نیستند و درنهایت، عوامل بیرونی و ضد ارزش‌ها که مانع رسیدن آبادی به شرایط بسامان است، قوی‌تر عمل می‌کنند و درنهایت، سنت و تفکرات ناب مردم را نابود می‌کنند.

شاید کنش‌های موجود در داستان که در فضای رئالیسم جادویی خلق می‌شود، برای خوانندگان غیرقابل باور باشد؛ اما بنا بر آنچه در توضیح رئالیسم جادویی گفته شد، نویسنده در این آثار قصه‌های فولکلور را که حادث خیال و باورهای عامیانه است، طوری با واقعیت در می‌آمیزد که درک این واقعیت‌ها در موقعیت‌های کنشی ممکن می‌شود و باید توجه داشت که این انسان‌ها به صورت کارکردهای اجتماعی در این جوامع خاصیت‌های فرهنگی می‌یابند و درواقع، مردم در برابر آن‌ها رفتارهای از پیش تعیین شده‌ای بروز می‌دهند که با تعریف گفتمان روایی کنشی که بر اساس برنامه‌های از پیش مشخص شده فرایند کنشی حاصل می‌شود، هماهنگی دارد و مردم بر اساس آنچه فرهنگ و اجتماع‌شنan برای آن‌ها تبیین می‌کند، در برابر این افسانه‌ها و اکنش‌های کنشی بروز می‌دهند. داستان‌های فولکلور در فرهنگ و اجتماع جوامع سنتی ریشه دارند و طبیعت و مظاهر اقلیمی آن، یعنی دریا و باد و طوفان در باور مردمان جنوب، شخصیتی جاندار پنداشته می‌شود که بر همه مظاهر زندگی مردم اثر می‌گذارد. از این رو، در داستان‌ها نیز این عناصر طبیعی دارای شخصیت هستند و کنش‌های داستانی دارند. پس می‌توان آنچه را حضور فیزیکی و اثربخش در تفکر عمومی یک

اجتماع دارد، عامل اثرگذار بر گفتمان کنشی این روایت داشت.

۵. نتیجه

گفتمان اهل غرق با توجه به تأثیر پارامترهای رئالیسم جادویی شاید توقع خواسته را به سمت گفتمان شوشی مرکزی هدایت کند: اما قوت عناصر فولکلور در عقیده و ذهن مردم منطقه خاصی مانند جفره، سبب شکلگیری لایه‌های هستی در تداوم معنا هستند و باور به شرایط حاکم بر ایجاد ابژه ارزشی، یعنی رضایت بوسلمه در جهت خوشبختی سوژه را مجبور به اجرای کنش می‌کند و گفتمان مرکزی را سبب می‌شود. در طول روایت اتصال و انصصال از ابژه ارزشی در جهت رفع نقصان معنا که سعادت و رسیدن به خوشبختی است، در حال تغییر است و این امر گفتمان‌های کنشی را از وضعیت سلبی به ایجابی و برعکس عبور می‌دهد. ارزش رضایت بوسلمه و بدست آوردن مروارید ناب آبهای سبز و خاکستری برای مانایی سعادت با حضور هستی‌شناختی کشگر یا گشگران گره خورده است؛ اما گاه این انصصال از ابژه ارزشی و تنوع موقتی ارزش مؤلفه‌های تغییر شرایط از نابسامان به سامان یافته را در طول گفتمان کنش محور متفاوت می‌کند و نظام گفتمانی کنشی - تجویزی را که در ابتدای داستان آغازگر کنش بود، به نظام گفتمانی کنشی - مجازی تغییر می‌دهد که با این تغییرات باز هم کنش گفتمان را خلق می‌کند. گفتنی است که با توجه به روایت اهل غرق می‌توان نظامهای گفتمانی دیگر گرسن را که شامل شوشا، تنشی و بوشی هستند هم در این متن بررسی و تحلیل کرد. الگوی نظام روایی کنشی را بر اساس نظریه روایی گرسن می‌توان با توجه به تحلیل‌های درون‌متنی چنین ترسیم کرد:



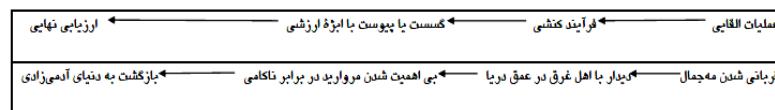
نمودار ۱: فرایند کنشی با رویکرد ارزشی

Diagram1. The Process of Action with Axiological Approach



نمودار ۲: شکل‌گیری نظام گفتمانی کنشی - تجویزی

Diagram 2. The Formation of Actantial-Prescriptive Discourse Regime



نمودار ۳: الگوی تنوع گفتمان کنشی - تجویزی به گفتمان کنشی - مجابی به دلیل شرایط انفصل ابژه ارزشی

Diagram 3. Pattern of Diversity from Actantial -Prescriptive Discourse Regime to Actantial -Manipulative Discourse Regime because of Disjunctive Status of object

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Semiology
 2. Semantics
 3. Semiotics
 4. Narratology
 5. Construction profonde
 6. Modèle génératif
 7. روستای جُفره (جُفره ماهینی) از توابع شهرستان بوشهر و امروزه یکی از محلات و بنادر این استان است. جُفره برای کشاورزی مناسب نیست و مردم ماهیگیری می‌کردند که آن را ماهینی نیز گفته‌اند.
 8. Actantial discourse
 9. Greimas, Algirdas Julien
 10. Terminology
 11. Buber
 12. Simmel
- منیرو روانیپور متولد این روستاست (ن. ک: ماهینی، ۱۳۹۲: [HTTP:// BAHARTORANG.BLOGFA.COM/POST/2](http://BAHARTORANG.BLOGFA.COM/POST/2))

13. Ajustement
 14. Le sensible
 15. L' esthésie
 16. Programmation
۱۷. آبی یا ملدماس در تصور مردم جنوب موجودی شبیه پری دریایی است که بالاتنه‌ای بسیار زیبا و جذاب دارد و در قسمت پاهای ماهی وار است. همچنین، پاهای او را در برخی افسانه‌ها شبیه داس می‌دانند. منظور از آبی - آدمی موجودی است که از هم آغوشی آبی با آدمی متولد می‌شود که نیمی آبی و نیمی آدمی است. مه‌جمال در رمان *أهل عرق* موجودی افسانه‌ای است که از مادری آبی و پدری آدمی متولد شده است (روانی‌پور، ۱۳۶۹: ۳۲).
18. discours prescriptif
 19. compétence
۲۰. دورترین نقطه دریا.
21. performance
 22. Présence actualisé
۲۲. فایز یا دشتی دستگاهی در موسیقی است.

۷. منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۸). *ساختار و تأویل متن*. چ. ۴. تهران: مرکز.
- اکبری‌زاده، فاطمه و مرضیه محصص (۱۳۹۶) «نشانه - معناشناسی گفتمان تبلیغی موسیقی^(۴)». *جستارهای زبانی*. س. ۸. ش. ۵. صص ۲۹۳ - ۳۱۸.
- بابک معین، مرتضی (۱۳۹۷) «کارآیی نظام‌های معنایی و تعاملی لاندوفسکی در تحلیل گفتمان‌های آموزشی». *جستارهای زبانی*. س. ۹. ش. ۳. صص ۲۹۷ - ۳۱۷.
- بلیغی، مرضیه و آرزو عبدی (۱۳۹۷) «بررسی نشانه - معناشناسی تصاویر در بوف کور صادق هدایت». *جستارهای زبانی*. س. ۹. ش. ۲. صص ۸۹ - ۱۰۹.
- داد، سیما (۱۳۹۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چ. ۶. تهران: مروارید.
- دینه سن، آنه‌ماری (۱۳۸۰). *بر نشانه شناسی*. ترجمه مظفر قهرمان. چ. ۱. آبادان: پرسش.
- رامین‌نیا، مریم و ناصر نیکوبخت (۱۳۸۴). «بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان *أهل عرق*». *پژوهش‌های ادبی*. س. ۳. ش. ۸. صص ۱۳۹ - ۱۵۴.

- رضایی، سیده نرگس (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل حضور عناصر فولکلوریک در داستان‌های منیرو روانی‌پور (أهل غرق، سیریا سیریا، سنگ‌های شیطان و کنیزو)». *زبان و ادبیات فارسی*. س. ۱۵، ش. ۴۰، صص ۱۰۵ - ۱۳۵.
- روانی‌پور، منیرو (۱۳۶۸). *أهل غرق*. چ. ۱. تهران: خانه آفتاب.
- ژان میشل آدام و فرانسو زروار (۱۳۸۵). *تحلیل انواع داستان*. ترجمه آذین حسین‌زاده و کتایون شهپرداد. چ. ۲. تهران: قطره.
- السیسیور، ت و پوپ (۱۳۸۳). *صروری بر مطالعات نشانه شناختی سینما*. ترجمه فرهاد ساسانی. چ. ۱. تهران: سوره مهر.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). «مبانی نظری تحلیل گفتمان رویکرد نشانه - معناشنختی». *فرهنگستان هنر*. س. ۴، ش. ۱۲، صص ۵۴ - ۷۲.
- ———— (۱۳۹۲). *نشانه - معناشناسی دیداری نظریه و تحلیل گفتمان‌های هنری*. چ. ۱. تهران: سخن.
- ———— (۱۳۹۵). *نشانه - معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی*. چ. ۱. تهران: دانشگاه تربیت مدرس مرکز نشر آثار علمی.
- ———— (۱۳۸۳). *مبانی معناشناسی نوین*. چ. ۱. تهران: سمت.
- ———— (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه - معناشناسی». *دانشگاه علامه طباطبائی*. س. ۹، ش. ۲۱۹. ۲۰۶ - ۱۱۹.
- ———— (۱۳۸۸). «از نشانه‌شناسی ساختارگرای نشانه - معناشناسی گفتمانی». *نقدهای ادبی*. س. ۲، ش. ۸، صص ۳۳ - ۵۲.
- ———— و ترانه و فایی (۱۳۸۸). *ققنوس راهی به نشانه - معناشناسی سیال*. چ. ۱. تهران: علمی و فرهنگی.
- ———— (۱۳۹۲). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناسی گفتمان*. چ. ۳. تهران: سمت.
- ضمیران، محمد (۱۳۸۲). *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*. چ. ۱. تهران: قصه.
- عباسی، علی و هانیه یارمند (۱۳۸۹). «عبور از مردی معنایی به مردی تنفسی: بررسی نشانه - معناشناسی ماهی سیاه کوچولو». *جستارهای زبانی*. س. ۲، ش. ۲، صص ۱۴۷ - ۱۷۲.

- عبدی، ناهید (۱۳۹۰). *برآمدی بر آیکونولوژی: نظریه و کاربرد مطالعه سوره‌ی نقاشی ایرانی*. ج. ۱. تهران: سخن.
- مالمیر، تیمور و علیرضا ناصر بافقی (۱۳۹۲). «تحلیل ساختاری رمان *أهل غرق*». متن پژوهشی ادبی. س. ۱۸. ش. ۶۰. صص ۷ - ۲۴.
- معین، مرتضی بابک (۱۳۸۳). *سیر زایشی معنا* (مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر). ج. ۱. تهران: فرهنگستان هنر.

References

- Abbasi, A. & H. Yarmand, (2010), "Transition from the semantic square to tension square, the case study of little black fish". *Language Related Research*. Vol. 2. No. 3. Pp: 147-172. [In Persian].
- Abdi, Nahid, (2011), *An Introduction to Iconology: Theory and its Application in Iranian Painting*. Vol. 1. Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Ahmadi, B. (1999). *Structure and Text Interpretation*. Vol. 1. Tehran: Markaz. [In Persian].
- Akbarizadeh, F. & M. Mohases, (2017), "Semiotic study of Moses' missionary discourse in Quran". *Language Related Research*. Vol.8. No. 5. Pp: 293-318. [In Persian] .
- Babak Moein, M. (2018). "The effectiveness of semiotic and interactive systems of Landowski in the analysis of educational discourses". *Language Related Research*. Vol. 9. No. 3. Pp: 297-317. [In Persian].
- Balighi, M. & A. Abdi, (2018), "Examining the semiotics of images in the Blind Owl by Sadeq Hedayat". *Language Related Research*. Vol. 9. No. 2. Pp: 89-109. [In Persian].
- Daad, S. (2013). *Dictionary of Literary Terms*. Vol. 6. Tehran: Morvarid. [In Persian].
- Dina Sen. A.M. (2001). *An Introduction to Semantics*. Translated by Muzafar Ghahreman. Vol. 1. Abadan: Porsesh. [In Persian]

- Elsaesser, T. Pop, U. (2004). *An Overview of Cinematic Semiotic Studies.* Translated by Farhad Sassani. Vol. 1. Tehran: Surah Mehr. [In Persian].
- Jean, M.A. & F. Zaravar, (2006), *Analysis of different stories.* Translated by Azin Hosseinzadeh and Katayoun Shahravarad. Vol. 2. Tehran: Ghatre. [In Persian]
- Malmir, T. & A. Naser Bafqi, (2014), "Analysis of the structure of Ahl-e Gharq". *Literary Text Research.* Vol. 18. No. 60. Pp: 7- 24. [In Persian].
- Moein, M.B. (2004). "Generative approach to meaning". (*Articles of the first symposium of semiotics of art*). Vol. 1. Tehran:Academy of Art. [In Persian].
- Raminniya, M. & N. Nikobakht, (2005), "The study of magical realism and the analysis of Ahl-e Gharq". *Literary Research.* Vol. 3. No. 8. Pp: 139-154. [In Persian].
- Rezaei, N. (2016). ""The study and analysis of the presence of folklore elements in the stories of Maniro Rouhanipour (Ahl-e- Gharq, Siriya Siriya, Sanghaye Sheytan and Kanizo)." *Research in Persian Language and Literature.* Vol. 15. No. 40. Pp: 105- 135. [In Persian]
- Roanipour, M. (1986). *Ahl- e- Gharq.* Vol. 1. Tehran: Khneye Aftab. [In Persian].
- Shairi, H.R. & T. Vafaei, (2009), *The Phoenix; A Way to Fluid Semiotics.* Vol. 1. Tehran: Elmi & Farhangi. [In Persian].
- ----- (2004). *The Foundations of Modern Semantics.* Vol. 1. Tehran: SAMT. [In Persian].
- ----- . (2007). "A Study of different discourse regimes : A semiotic Analysis". *Proceedings of Allameh Tabatabaei University.* Vol. 9. No. 219. Pp: 106- 119. [In Persian].
- ----- (2012). *Visual Semiotics: Theory and Analysis of Artistic Discourses.* Vol. 1. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- ----- (2016). *Semiotic Analysis of Discourse* Vol.4. Tehran: Samt. [In Persian]
- ----- (2016). *Semiotics of Literature: Theories and Practices of Literary*

Discourse Regimes. Vol. 1. Tehran: Tarbiat Modares University Scientific Press.

[In Persian].

- ----- .(2009). “Theoretical foundations of discourse analysis: a semiotic approach ”. *Research Papers of Academy of Art*. Vol. 4. No. 12. Pp: 54-72. [In Persian].
- -----.(2010). “ Passing from a predetermined relationship of signifier and signified to a processional discursive meaning.” *Literary Criticism*. Vol. 2. No. 8. Pp: 33- 52. [In Persian].
- Zeimaran, M. (2003). *An Introduction to Semiotics of Art*. Vol. 1.Tehran: Ghesse. [In Persian].

Investigating Greimas' Actantial Discourse Regime: The Case Study of Ahle Gharq by Moniro Ravanipour

Gholamreza Salemian¹, Khalil Beygzadeh^{2*}, Leila Rahmatian³

1. Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah , Iran.
2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah-Iran.
3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.

Received: 26/05/2018

Accepted: 27/11/2018

The current research investigates the role of Action in "Ahle Gharq"- the novel by Moniro Ravanipour. In this respect the authors tries to show how the cognitive process engages in producing value and meaning which is influential in manipulating the reader's mind. The results of the research suggest that an innovative discourse, due to the influence of the parameters of magical realism, could lead the reader to expect a central discourse; belief in the conditions governing the creation of the object of value compels the subject to act and induces a central discourse. Throughout the process of conjunction and disjunction from the object of value and in order to remedy the loss of meaning that is happiness and the fulfillment of happiness what changes the negative status of actantial regime of discourse into affirmative one and vice versa. Sometimes the disjunction of the object of value and the temporal transformation changes the value of the components of the changing conditions from disorganized to organize during the action-oriented discourse, and changes the prescriptive regime of action that was at the beginning of history to the virtual regime of action. The psychoanalyst has created the contractual process of action between the actors and the actant to reach the object of value and identify the actor of his position and detach himself from the object of value in an induction operation to provide the main action of the discourse and to provide a semiotic analysis of the so- called novel narrative.

Keywords: A.J Greimas, Actantial discourse, Semiotics, Ahle Gharq, Monirou Ravanipour

* Corresponding author: E-mail: kbaygzade86@gmail.com